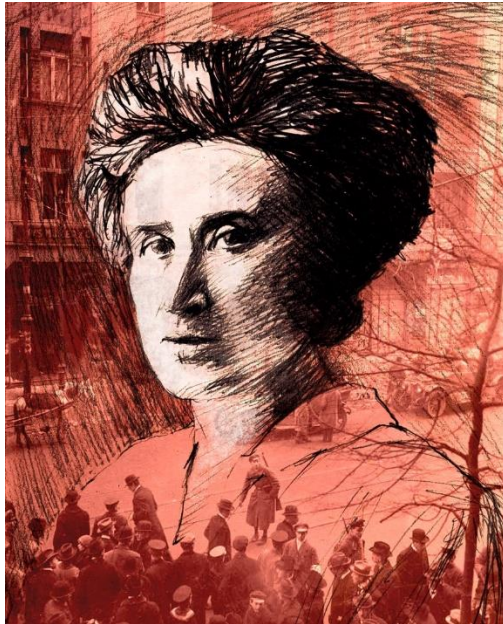


# رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

تذکره ادبیات

یوسف کهن

همراه با معرفی فهرست آثار رُزا لوکزامبورگ به فارسی



«چقدر متأسفم... که سه برابر قوی تر و جسورتر نبودم.»<sup>۱</sup>

رزا لوکزامبورگ یک مبارز سوسیالیست، یک نظریه پرداز سیاسی و یک آموزگار آموزه‌های مارکسی بود. او سراسر عمر کوتاهش را صرف مبارزه علیه کاپیتالیسم، مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، کار مزدی و ساختار طبقاتی کرد و سرسختانه از راه کارهای انقلابی برای ایجاد تغییرات و تحولات اجتماعی دفاع نمود.

رزا جزو مؤسسان یکی از احزاب رادیکال سوسیالیستی در لهستان و از زمره رهبران جناح چپ حزب سوسیال دموکرات آلمان و نمایندگان انترناسیونال دوم بود. او در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه شرکت فعال داشت؛ از رهبران جنبش ضد جنگ جهانی اول و از مدافعان و نیز نخستین نقادان انقلاب اکتبر بود. او همچنین از نخستین کسانی بود که ورود کاپیتالیسم به دوره‌ی میلیتاریسم را تبیین کرد و ویژگی‌هایی آن را برشمرد. رزا نظریه‌ی جدیدی درباره‌ی انباشت سرمایه ارائه کرد و آن را انگیزه‌ی تحولات استعماری امپریالیست‌ها و لازمه‌ی دوام کاپیتالیسم دانست. او از منتقدان برجسته‌ی رفرمیسم و از پاسداران و مبلغان اندیشه‌های بنیادین مارکس بود. رزا از مؤسسين اصلی حزب اسپارتاکیست و «حزب کمونیست آلمان» بود. او به‌خاطر فعالیت‌های کمونیستی‌اش در لهستان، آلمان و روسیه بارها به زندان افتاد و نهایتاً به همراه کارل لینکنشت به‌دست شاخه‌ی نظامی جناح راست حزب سوسیال دموکرات آلمان به قتل رسید.

## مقدمه

لنین پیش‌بینی کرده بود که «مجموعه‌ی کامل آثار رزا لوکزامبورگ... به‌منظور تربیت نسل‌های متوالی کمونیست‌های جهان مورد استفاده قرار خواهد گرفت.»<sup>۲</sup> از این‌رو کم‌تر از سه سال بعد از قتل رزا (۱۹۱۹)، از سوسیال دموکرات‌های آلمان خواست تا مجموعه‌ی کامل آثار رزا را بی‌وقفه منتشر کنند.

رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

بیش از یک قرن از توصیه‌ی لنین می‌گذرد و هنوز چنین مجموعه‌ای در دسترس نیست؛ حتی اطلاعات ما از اندیشه‌ها و احساسات و عواطف رزا محدود است. چرا؟

گفته شده که رزا علاقه‌ای به حرف زدن یا نوشتن درباره‌ی خود نداشت. به‌علاوه ادعا شده که عمر کوتاهش این فرصت را در اختیارش نگذاشت تا برای انتشار آثارش اقدام کند. پس از قتل رزا نیز اعضای خانواده و رفقای نزدیکش شدیداً تحت فشار نیروهای امنیتی قرار گرفتند و جرأت نکردند تا آثار و خاطرات به‌جامانده از او را نقل یا منتشر کنند.

«پیشینه‌ی رزا لوکزامبورگ همیشه مبهم بوده است. او شدیداً بی‌میل بود که راجع به کودکی، خانواده و زندگی شخصی‌اش بحث کند؛ و به‌شدت از حریم خصوصی‌اش حراست می‌کرد... خانواده‌ی رزا... به‌خاطر فعالیت‌های سیاسی رزا - هم در زمان حیات وی و هم پس از به قتل رسیدن او - رنج‌های زیادی را متحمل شدند؛ به این خاطر محتاط بودند تا اطلاعات مربوط به او را در اختیار هرکسی نگذارند... جنگ جهانی دوم، رنج و محنت زیادی برای خانواده و نیز دوستان رزا به‌دنبال آورد... پس از ۱۹۴۵ اکثر بستگان زنده‌ی رزا تحت رژیم کمونیستی لهستان یا روسیه زندگی کردند؛ یعنی جاهایی که علاقه نشان دادن به رزا نه‌تنها مورد حمایت نبود بلکه خطرناک هم بود...»  
(روری کاستل، ۲۰۱۲)<sup>۲</sup>

برخی دیگر علت بی‌توجهی به رزا و اندیشه‌های او را به حاکمیت پیش‌داوری‌های مردسالارانه و زن‌ستیزانه‌ی غالب بر اروپای اواخر قرن ۱۹ نسبت می‌دهند. گفته شده که او حتی توسط خیلی از رفقای مرد هم‌حزبی‌اش جدی گرفته نمی‌شد؛ حتی بارها به دلیل زن و یهودی بودن و نیز لنگیدن مورد تمسخر قرار گرفته بود! رزا از این برخوردها شدیداً رنجیده‌خاطر بود؛ تا جایی که نوشت:

«من در دهات سیبری انسانیت بیشتری لمس می‌کنم تا در حزب سوسیال دموکرات آلمان»

با این حال به نظر می‌رسد که دلایل سیاسی - بیش از عوامل برشمرده شده‌ی بالا - در ناشناس ماندن رزا و آثار او مؤثر بوده باشند که مهم‌ترین‌شان از این قرارند:

۱- کارزار تبلیغاتی سوسیالیست‌های لهستانی: رزا مخالف سرسخت گرایش ناسیونالیستی در درون احزاب سوسیالیستی بود. به همین خاطر در چالش با حزب سوسیالیست لهستان، مصممانه در راستای تأسیس یک حزب سوسیالیستی جدید کوشید.<sup>۴</sup> این اقدام سبب شد تا شدیداً مورد بی‌مهری و غضب رهبران و هواداران حزب سوسیالیست لهستان قرار بگیرد؛ تا آن‌جا که او را «خائن ملی» خطاب کردند<sup>۵</sup> و از نشر آثار و تبلیغ اندیشه‌های او ممانعت به عمل آوردند.

۲- بهره‌برداری گرایش‌های ضدبلسویستی از اسم رزا: پس از پیروزی انقلاب اکتبر، گرایش‌های ضدبلسویستی شروع به انتشار بخش‌هایی از یادداشت‌های شخصی زندان رزا کردند که به نقد سیاست‌های لنین اختصاص داشت. این کار سبب شد تا رزا و آثارش تا سالین دراز مورد نفرت برخی محافل لنینیست قرار گیرند.

*«دشمنان انقلاب روسیه تلاش کرده‌اند تا انتقادات رزا از بلشویک‌های روسی را به‌عنوان ضدیت او با انقلاب روسیه تعبیر کنند. این نادرست است... شروانه‌ترین دروغ همانی است که توسط استالینیست‌ها پخش می‌شود که تلاش می‌کنند تا رزا را دشمن کمونیسم جا بزنند.»<sup>۶</sup>*

سنگر گرفتن کمونیسم‌ستیزها - از جمله آنارشویست‌ها، فمینیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و چپ‌های رفرمیست - در پشت نام رزا، آن‌هم به‌منظور تقویت موضع لنین‌ستیزانه‌ی خودشان، سبب شد تا بدبینی لنینیست‌ها نسبت به رزا بالا بگیرد. غافل از آن‌که خود رزا در عمر سیاسی کوتاهش مواضع سازش‌ناپذیری علیه همان گرایش‌ها اتخاذ کرده بود و مواضع انتقاداتی‌اش نسبت به لنین، کاملاً سیاسی و رفیقانه بودند!

۳- تبلیغات استالینیست‌ها: در نخستین «کمیسیون بلشویکی‌سازی»<sup>۷</sup> که در حاشیه اجلاس انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) برگزار شد، استالین، بلا کان، هاینز نیومن و جان پیر پیرامون «انحرافات رزا لوکزامبورگ» سخن‌ران کردند<sup>۸</sup> و به این ترتیب، مجوز و فرمان حمله به رزا را صادر نمودند! چندی نگذشت که یکی از

رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

نمایندگان حزب کمونیست آلمان به صراحت اعلام کرد که «رزا در حکم سیفلیس، برای جنبش کارگری است!»<sup>۹</sup>

در سال ۱۹۳۱ استالین در پاسخ به مقاله‌ی سلوتسکی<sup>۱۰</sup> اعتراضیه‌ای به سردبیر «پرولتاریای انقلابی» نوشت و در آنجا اوج نفرت و انزجارش را از رزا و تروتسکی ابراز کرد.<sup>۱۱</sup> به دنبال این موضع‌گیری خصمانه بود که کار جمع‌آوری آثار رزا که توسط پُل فرولیچ<sup>۱۲</sup> آغاز شده بود، ناتمام ماند و نشر و توزیع آثار رزا غیرمجاز اعلام شد!<sup>۱۳</sup> به ادعای پل بوهل دلیل دشمنی استالین با رزا به نزدیکی‌های نظری او با تروتسکی برمی‌گشت.<sup>۱۴</sup> دیگران ریشه‌ی این دشمنی را در جملاتی یافتند که لنین در مقاله‌ی «یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار»<sup>۱۵</sup> -نشر در پراودا ۱۹۲۲- نوشته بود:

«رزا لوکزامبورگ راجع به مسئله‌ی استقلال لهستان برخطا بود؛ همچنین در سال ۱۹۰۳، در ارزیابی‌اش از منشویسم دچار خطا شد؛ در رابطه با تئوری انباشت سرمایه [مارکس] نیز خطا کرد؛ در ژوئیه‌ی ۱۹۱۴ هم مرتکب اشتباه شد وقتی که به همراه پلخانف، واندرولد، کاتوتسکی و سایرین از اتحاد بلشویک‌ها و منشویک‌ها دفاع کرد؛ در یادداشت‌های زندان هم که در سال ۱۹۱۸ نوشت دچار خطا شد (هرچند که اکثر این خطاهایش را در اواخر سال ۱۹۱۸ و اوایل سال ۱۹۱۹، پس از خلاصی از زندان، تصحیح کرد).»  
(لنین ۱۹۲۲)

غافل از این که لنین در همین مقاله و در ادامه‌ی پاراگراف بالا نوشته بود:

«اما علی‌رغم اشتباهاتش او [رزا] یک عقاب بود و برای‌مان یک عقاب باقی خواهد ماند. و نه تنها کمونیست‌های سراسر جهان یادش را گرمی خواهند داشت بلکه بیوگرافی او و مجموعه‌ی کامل آثارش و انتشار آن چیزهایی که کمونیست‌های آلمانی بی‌اندازه در نشر آنها تأخیر کرده‌اند (که عذر این کوتاهی را تا حدی می‌توان با ضایعات سنگینی که در جریان مبارزه‌ی سخت‌شان متحمل شده‌اند توضیح داد) به‌عنوان یک راهنمای مفید، برای تربیت نسل‌های متوالی از کمونیست‌های جهان مورد استفاده قرار خواهند گرفت. این جمله‌ی رزا لوکزامبورگ که «از ۴ اوت ۱۹۱۴، سوسیال-

دموکراسی آلمان به یک جسد متعفن بدل شده است» نام رزا لوکزامبورگ را در تاریخ جنبش بین‌المللی طبقه‌ی کارگر به نیکی ثبت کرده است.» (همان‌جا)

به این معنی، لنین نه تنها مخالف خوانش، تبلیغ و تأمل بر نظرات رزا لوکزامبورگ نبود، بلکه آنها - آن‌هم مجموعه‌ی کامل آثارش و نه این یا آن اثر خاص - را برای تربیت نسل‌های متوالی کمونیست‌ها، مفید و آموزنده می‌دانست! ۴- لوکزامبورگیسم<sup>۱۶</sup>: در تقابل با برخورد‌های هیستریک حزب کمونیست روسیه، جریانی در آلمان شرقی سابق و فرانسه به‌راه افتاد که درصدد بود تا از رزا یک چهره‌ی پیامبرگونه بسازد؛ چرا که شکست کمونیسم روسی را پیش‌گویی کرده بود! اینان نیز با سنگ‌گرفتن در پشت اسم رزا، شروع به تیزتر کردن حملات خود به لنین و بلشویسم کردند. تروتسکی از جمله‌ی نخستین کسانی بود که به افشای این گرایش پرداخت و خواستار مقابله با آن شد:

«هم اکنون در فرانسه و جاهای دیگر تلاش‌هایی برای تأسیس یک جریان به اصطلاح لوکزامبورگیستی در جریان است تا ساترالیست‌های چپ بتوانند پشت آن، علیه بلشویسم-لنینیست‌ها سنگر بگیرند. این مسئله می‌تواند اهمیت به‌سزایی داشته باشد. و شاید لازم باشد تا در آینده‌ی نزدیک، مقاله‌ی مبسوطی به لوکزامبورگیسم واقعی و لوکزامبورگیسم ادعایی اختصاص داده شود.» (تروتسکی، «رزا لوکزامبورگ و بین‌الملل چهارم» (۲۴ ژوئن ۱۹۳۵)<sup>۱۷</sup>

با پاگیری گرایش موسوم به «چپ نو» در اروپا، رویکرد به رزا اوج تازه‌ای گرفت. گروهی از آکادمیسین‌های چپ که مبلغ و مدافع «دموکراسی اقتصادی»<sup>۱۸</sup>، تعاونی‌گری، خودمدیریتی و خودگردانی بودند تا از این رهگذر مقوله‌ی انقلاب را مسکوت بگذارند، به جمع طرفداران رزا لوکزامبورگ پیوستند و ادعا کردند که نظریات‌شان را از آموزه‌های رزا الهام گرفته‌اند. این امر بر دامنه‌ی اغتشاشات نظری حول نظریات رزا و بدگمانی‌های بعضی از گرایش‌های مارکسیستی انقلابی نسبت به اسم و آثار رزا افزود.<sup>۱۹</sup>

رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

پس از فروپاشی دیوار برلین و تغییر نام اکثر احزاب کمونیست به «چپ» یا «دموکرات»، بر جرگه‌ی لوکزامبورگیست‌های ادعایی افزوده شد! برای نمونه حزب چپ آلمان (*Die Linke party*)<sup>۲۰</sup> که از لنین گسسته و به معنای امروزی سوسیال دموکرات شده بود، در توجیه نظریات انحرافی‌اش به رزا پناه برد و لنین‌ستیزی و دموکراسی‌پناهی‌اش را با تعبیر رفرمیستی از رُزا بزک کرد، عکس رزا را کنار مارکس و انگلس گذاشت و در بخش سوم برنامه‌اش، از رزا لوکزامبورگ به‌عنوان تنها آموزگار سوسیالیسم **آزادخواه** (و نه سوسیالیست انقلابی یا کمونیست!) اسم برد!<sup>۲۱</sup> یا یکی از سیاست‌مداران حزب چپ آلمان، در مراسمی که بر سر مزار رزا برگزار شد، او را یک دموکرات دوآتشه خواند و از جمله اظهار داشت:

«و تحول تاریخی را به‌صورت یک فرآیند جامع دگرگونی و دموکراتیزاسیون درک می‌کرد. او به‌دنبال دموکراتیزه کردن تمام حوزه‌های جامعه بود.»<sup>۲۲</sup>

جا دارد گفته شود که همین حزب، نهادی را زیر چتر خود دارد که به «بنیاد رزا لوکزامبورگ» معروف است. همین نهاد هم هست که در همکاری با انتشارات Verso مشغول انتشار مجموعه آثار رزا است. یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی این نهاد موضع‌گیری خصمانه علیه لنینیسم و بلشویسم است؛ به‌عنوان مثال، چند سال پیش مقاله‌ای از «مایکل بری» با عنوان «تراژدی کمونیسم حزبی»<sup>۲۳</sup> را منتشر کرد که در آن نویسنده با توسل به تزه‌های رزا لوکزامبورگ، تیشه بر ریشه انقلاب و لنین می‌زد!<sup>۲۴</sup> اضافه بر این، کمیسیون تاریخی حزب چپ آلمان در بیانیه‌ای که به مناسبت

صدمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب کمونیست آلمان انتشار داد اظهار تأسف کرد که با قتل لوکزامبورگ امکان تبدیل «حزب کمونیست به یک حزب چپ سوسیالیست که پیرو مدل بلشویکی نباشد» از دست رفت!<sup>۲۵</sup>

فمینیست‌های چپ هم که نخواستند از قافله عقب بمانند دست به انتشار کتاب مصوری با عنوان «زندگی‌نامه‌ی تصویری رزا لوکزامبورگ»<sup>۲۶</sup> زدند که بی‌شباهت به یک رمان پُرنوگرافی نبود!

توهم‌پراکنی، دروغ‌پردازی و بهره‌برداری از اسم رُزا پس از فروپاشی شوروی به‌قدری شایع شد که روزنامه‌ی گاردین در یادواره‌ی صدمین سالگرد قتل رزا نوشت:

«... اگر لوکزامبورگ و لیبنکشت اجازه‌ی حیات می‌یافتند، چه کاری می‌توانستند بکنند؟... اولاً رهبران لیگ اسپارتاکیست روی تحقق اهداف‌شان هم‌نظر نبودند. لوکزامبورگ هنوز مدافع دموکراسی پارلمانی، شرکت در انتخابات و به‌دست‌آوردن پیروزی از طریق کسب آرای اکثریت بود، حال آن‌که لیبنکشت خواستار اقدام مستقیم و تصرف خیابان‌ها بود. ثانیاً آنها الگوی مشخصی برای راه‌شان نداشتند. رُزا فکر می‌کرد که انقلاب در روسیه با اعمال تمرکزگرایی قدرت توسط لنین، و سرکوب مخالفین معیوب شد؛ از این رو در کتاب «انقلاب روسیه» (۱۹۱۸) نوشت: "آزادی، صرفاً برای حامیان دولت و صرفاً برای اعضای یک حزب... ابداً آزادی نیست". رُزا این اندیشه‌ی لنین و تروتسکی را که تحول سوسیالیستی باید از یک «فرمول آماده» متابعت کند، غلط دانست آن‌هم وقتی که فرمول تغییرات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی در "هاله‌ای از غبار آینه‌پنهان" هستند...»<sup>۲۷</sup> (گاردین، ۹ ژانویه ۲۰۱۹)

یعنی نویسنده‌ی گاردین، لیبنکشت را که نماینده‌ی مجلس بود، به‌عنوان مخالف راه‌کارهای قانونی و موافق شورش‌های خیابانی معرفی کرد و رُزا را که جدی‌ترین منتقد فرمیسیم و پارلمانتاریسم بود، مدافع راه‌کارهای بورژوایی! همان رُزایی که جسورانه خاطر نشان کرده بود:

«در پارلمان نیست که مسایل بزرگ و مرتبط به سرنوشت پرولتاریا حل و فصل می‌شوند، تنها یک انقلاب مردمی می‌تواند آزادی را برای توده‌های کار و زحمت به ارمغان بیاورد... پارلمانتاریسم برگ موی‌نازکی است که برای پوشاندن عورت فرمانروایی مطلقه‌ی نظامی بکار می‌رود.»<sup>۲۸</sup>

البته در زمانه‌ای که مارکس را از انقلاب تهی می‌کنند و به‌عنوان «فیلسوف»، «اندیشمند» و «اقتصاددان» جا می‌زنند، ابداً عجیب نیست که رُزا را دموکرات، مخالف دیکتاتوری پرولتاریا، ضدلنین، ضدبلشویسم، ضدکمونیسم و مخالف لیبنکشت



رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

بخوانند! در واقع این همان پروژه‌ی «قدیس‌سازی بی‌ضرر» است که لنین در توصیفش نوشته بود:

«در طول حیات انقلابیون بزرگ، طبقات ستمگر، آنها را دائماً مورد پیگرد قرار دادند، تئوری‌هایشان را با سبعانه‌ترین بدخواهی، خشم‌آگین‌ترین نفرت و بی‌شرمانه‌ترین تبلیغات، به‌همراه سیلی از اکاذیب و افتراها ثبت کردند. اما پس از درگذشت‌شان، کوشیدند تا آنها را به تندیس‌های بی‌ضرر مبدل سازند و به‌قولی در زمره‌ی مقدّسان درشان آورند، اسم‌شان را تا آن حد تقدیس می‌کنند که [آشنیدن نام‌شان] موجب "تسلای"ی خاطر طبقات تحت‌ستم شود تا بعدتر از [اهمین نام] برای تحمیق‌شان استفاده کنند؛ و این کار را در حالی می‌کنند که توأمان، مشغول خارج‌سازی و دزدیدن تئوری انقلاب از مضمونش، گُندکردن لبه‌های تیز انقلابی و به ابتدال کشاندنش هستند. امروز، بورژوازی و اپورتونیست‌های درون جنبش کارگری، در دست‌کاری مارکسیسم همدستند. آنها جنبه‌ی انقلابی این تئوری و روح انقلابی آن‌را حذف، محو و تحریف می‌کنند؛ و هرآنچه را که برای بورژوازی پذیرفتنی بنظر می‌رسد، به‌جلو هُل می‌دهند و تجلیل می‌کنند. همه‌ی سوسیال-شوونیست‌ها، امروز "مارکسیست" شده‌اند (نخندید!)»<sup>۲۹</sup>

۵- تله‌ی امنیتی با استفاده از نام رزا لوکزامبورگ: سازمان سیا (CIA) نیز تلاش کرد تا کلاهی از نام رُزا لوکزامبورگ برای خود بدوزد! در دهه‌ی ۷۰ میلادی نشریه‌ی رادیکالی با سمپاتی شدید به رُزا، با عنوان «<sup>۳۰</sup> Campaigner magazine» در امریکا منتشر شد که خیلی زود توجه عناصر انقلابی را به‌خود جلب کرد. آنها شادمانه نشریه را مشترک شدند و از طریق اسم و آدرس داده‌شده، مورد شناسایی دستگاه‌های امنیتی قرار گرفتند! این جریان طی رسوایی پرونده «واترگیت» افشا شد.

## دشواری بر سر شنایایی رزا و اندیشه‌هایش

از دهه‌ی شصت میلادی به این‌سو، بعضی از گرایش‌های فمینیستی و سوسیالیستی کوشیدند تا به‌دور از پیش‌داوری‌ها، مستقیماً به آثار رزا رجوع کنند.<sup>۳۱</sup>

در سال ۱۹۵۹، تونی کلیف جزوه‌ای با عنوان «رزا لوکزامبورگ: زندگی در مبارزه» را نوشت.<sup>۳۲</sup> جی پی نتل<sup>۳۳</sup> و الزبیتا اتینگر<sup>۳۴</sup> زندگی‌نامه‌ی رزا را به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۸۸ منتشر کردند. در سال ۱۹۸۹ لیندا ادمونسون، «زندگی رزا لوکزامبورگ»، را منتشر کرد و در آن به معرفی آثار منتشر شده‌ی رزا تا اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ پرداخت.<sup>۳۵</sup> و در سال ۲۰۲۰، دانا میلز بیوگرافی جدیدی از لوکزامبورگ منتشر کرد.

اما اگر از این کارهای پراکنده بگذریم، جدی‌ترین قدم در معرفی آثار رزا در سال ۲۰۱۱ توسط بنیاد رزا لوکزامبورگ – در همکاری با مؤسسه‌ی انتشاراتی Verso – برداشته شد؛ آن‌هم برای انتشار یک مجموعه‌ی ۱۴ جلدی – آن‌هم به زبان انگلیسی که تاکنون چهار جلد آن چاپ و توزیع شده‌اند.<sup>۳۶</sup> با این حال فقط ۷۵٪ از آثار رزا به انگلیسی ترجمه شده و حدود ۳۰۰۰ صفحه از یادداشت‌های او که به زبان لهستانی هستند، به همراه ۸۰٪ از نامه‌های او در انتظار ترجمه به سر می‌برند.<sup>۳۷</sup> آرشو رزا لوکزامبورگ<sup>۳۸</sup> هم به نوبه‌ی خود کوشیده تا بیش از ۸۰ اثر رزا را به زبان انگلیسی ترجمه و به‌رایگان در دسترس علاقمندان قرار دهد.

با این توصیف می‌شود ادعا کرد که اطلاعات تاکنونی ما راجع به رزا، چندان دقیق و معتبر نیستند.<sup>۳۹</sup> بسیاری از خواننده‌ها و شنیده‌های ما از تعبیر «دوستان» و یا تفاسیر «دشمنان» رزا نشأت گرفته‌اند که چه بسا با اندیشه‌های رزای سرخ فاصله دارند! این نقیصه در رابطه با زبان فارسی چشم‌گیرتر است!<sup>۴۰</sup>

فهرستی که به دنبال می‌آید، دربردارنده‌ی آثاری هستند که تا زمان انتشار این نوشتار به فارسی ترجمه شده و یا از وجودشان خبردار شده‌ام. امید است این فهرست با هم‌یاری خوانندگان کامل‌تر شود. البته جا دارد تأکید شود که معرفی ترجمه‌ها ضرورتاً به معنی تأیید دقت و صحت امانت‌داری آنها نیست.

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
۱۸۹۴	<a href="#">What Are the Origins of May Day?</a>	دو ترجمه: اول ماه مه چگونه بوجود آمد؟ مترجم

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
		نامشخص <a href="#">منشا روز اول ماه مه چه هستند؟</a> مترجم ناشناس، انتشارات سیاهکل
۱۸۹۶	<a href="#">The Polish Question at the International Congress in London</a>	ترجمه‌ی بخش‌هایی از این مقاله در «رزا لوکزامبورگ و مسئله‌ی ملی» نوشته‌ی یوسف کهن آورده شده‌است.
۱۸۹۹	<a href="#">Reform or Revolution</a>	چهار ترجمه: رفرم اجتماعی یا انقلاب؟ ترجمه یوسف کهن رفرم اجتماعی یا انقلاب؟ مترجم ناشناس، انتشارات سیاهکل اصلاح یا انقلاب اجتماعی؟ (ص ۱۸۱ تا ۲۳۲ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی) اصلاح یا انقلاب؟ ترجمه اسدالله کشاورزی.
۱۹۰۰	<a href="#">BacktoAdamSmith</a>   Doc 12	بازگشت به آدام اسمیت، ترجمه کمال خسروی
۱۹۰۲	<a href="#">Martinique</a>	«برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی
۱۹۰۲	A Tactical Question	یک مسئله تاکتیکی (ص ۳۱۹ تا ص ۳۲۴ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۰۳		<a href="#">کارل مارکس</a> ، مترجم ناشناس، سایت نقد
۱۹۰۳	<a href="#">Marxist Theory and the Proletariat</a>	تئوری مارکسیستی و پرولتاریا، ترجمه تراب ثالث و یوسف کهن
۱۹۰۳	<a href="#">Stagnation and Progress of</a>	ایستایی و پیشتازی مارکسیسم، ترجمه‌ی

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
	<a href="#">Marxism</a>	یوسف کهن رکود و پیشرفت مارکسیسم، ترجمه‌ی نوید قیداری
۱۹۰۴	<a href="#">Organizational Questions of the Russian Social Democracy</a>	مسائل سازماندهی سوسیال-دموکراسی روسیه (ص ۳۳۹ تا ۳۶۰ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۰۵	<a href="#">Socialism and the Churches</a>	سوسیالیسم و کلیساها، ترجمه آرش جلال‌منش
۱۹۰۶	<a href="#">The Mass Strike</a>	اعتصاب توده‌ای، حزب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری، ترجمه‌ی یوسف کهن اعتصاب عمومی (ص ۲۳۳ تا ۲۷۶ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۰۷	Address to the Fifth Congress of the Russian Social-Democratic Labor Party	سخنرانی در پنجمین کنگره حزب سوسیال-دموکراسی روسیه، (ص ۲۷۵ تا ۲۸۴ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۰۷	Address to the International Socialist Women's Conference	خطابیه به کنفرانس زنان بین‌الملل سوسیالیست (ص ۳۲۴ تا ۳۲۵ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۰۷	<i>To Clara Zetkin</i>	نامه به کلارا زتکین (ص ۵۲۲ تا ۵۲۳ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی) نامه به زتکین مترجم ناشناس

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
۱۹۰۸	<a href="#">Introduction to Political Economy</a>	مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی (ص ۱۰۱ تا ۱۷۳ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی) کتاب «درآمدی بر اقتصاد سیاسی»، ترجمه آرش جلال منش
۱۹۰۹	<a href="#">The National Question</a>	مسئله ملی ترجمه‌ی بخش‌هایی از این مقاله در <a href="#">رزی سرخ (۱)</a> نوشته‌ی یوسف کهن آورده شده.
۱۹۱۰	<a href="#">Theory &amp; Practice</a> [A polemic against Comrade Kautsky's theory of the Mass Strike]	<a href="#">نظریه و عمل</a> (ص ۲۸۵ تا ۳۱۷ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۱	Credo: On the State of Russian Social Democracy	<a href="#">مرامنامه: درباره‌ی وضعیت سوسیال-دموکراسی روسیه متن ترجمه</a> (ص ۳۶۱ تا ۳۷۸ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۲	<a href="#">Women's Suffrage and Class Struggle</a>	<a href="#">حق رأی زنان و مبارزه طبقاتی</a> ، مترجم ناشناس، انتشارات سیاهکل <a href="#">حق رأی زنان و مبارزه طبقاتی</a> (ص ۳۲۵ تا ۳۳۱ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۳	<a href="#">The Accumulation of Capital</a>	<a href="#">انباشت سرمایه ۱، ۲، ۳، ۴</a> ، ترجمه کمال خسروی عنوان فرعی: <a href="#">درآمدی بر تبیین امپریالیسم</a> ، ص ۴۷ تا ۱۰۰ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۴	The Proletarian Woman	<a href="#">زن پرولتر</a> (ص ۳۳۲ تا ۳۳۵ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
		حسن مرتضوی)
۱۹۱۵	<a href="#">The Junius Pamphlet (The Crisis of Social Democracy)</a>	<a href="#">جزوه جونئوس</a> (بحران در سوسیال-دموکراسی آلمان)، ص ۴۲۱ تا ۴۶۱ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی.
۱۹۱۷		نامه (از زندان) به ماتیلده و امانوئل ورم (ص ۵۲۵ تا ۵۲۸ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۷		نامه (از زندان) به سونیا لیبکنشت (ص ۵۲۸ تا ۵۳۱ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۸	<a href="#">The Russian Revolution</a>	انقلاب روسیه، ترجمه رسول نوری انقلاب روسیه، به استثنای فصل ۷ (ص ۳۷۹ تا ۴۱۷ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۸	<a href="#">Oh! How – German is this Revolution!</a>	آه، این انقلاب چقدر آلمانی است؟ ترجمه‌ی آرام نوبخت
۱۹۱۸	<a href="#">The Beginning</a>	آغاز (ص ۴۴۳ تا ۴۶۱ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۸	<a href="#">A Duty of Honor (Alternate Translation: Against Capital Punishment)</a>	علیه مجازات اعدام، ترجمه‌ی یوسف کهن
۱۹۱۸	<a href="#">The National Assembly</a>	مجلس ملی، ترجمه‌ی بهروز عارفی مجلس ملی یا حکومت شوراها؟، ترجمه‌ی بهروز عارفی

رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
۱۹۱۸	<a href="#">Five Letters from Prison A Letter by Rosa Luxemburg</a>	نامه به زتکین، ترجمه‌ی هاتف رحمانی
۱۹۱۸- ۱۹۱۶	<a href="#">Letters from Prison to Sophie Liebknecht</a>	نامه‌های زندان، مترجم ناشناس تعدادی از نامه‌هایی از زندان (از ص ۵۱۲ به بعد از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۸	<a href="#">The Socialisation of Society</a> (Alternate Translation: <a href="#">What is Bolshevism?</a> )	بلشویسم چیست؟، ترجمه آرشین قهرمانی سوسیالیستی شدن جامعه (ص ۴۶۶ تا ۴۷۰ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۸	<a href="#">What does the Spartacus League Want?</a>	جامعه اسپارتاکوس چه می‌خواهد؟، بازنشر اتحادیه اسپارتاکوس چه می‌خواهد؟ (ص ۴۷۰ تا ۴۸۲ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۸	<a href="#">Our Program and the Political Situation</a> (Alternate Translation: <a href="#">On the Spartacus Programme</a> )	برنامه ما و شرایط سیاسی یا برنامه و موقعیت سیاسی ما، مترجم ناشناس در باره‌ی برنامه‌ی اسپارتاکوس (ص ۴۸۲ تا ۵۰۳ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
۱۹۱۹	<a href="#">Order Prevails in Berlin</a>	نظم در برلین حاکم است (ص ۵۰۳ تا ۵۰۹ از کتاب «برگزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ، ترجمه‌ی حسن مرتضوی)
پس از قتل	What is Economics?	<a href="#">اقتصاد چیست؟</a> ، ترجمه‌ی کامران نیری

سال	لینک به متن انگلیسی	لینک به ترجمه‌ی فارسی
رزا		
۲۰۱۳	<a href="https://libcom.org/library/complete-works-rosa-luxemburg-volume-1-economic-writings-1">https://libcom.org/library/complete-works-rosa-luxemburg-volume-1-economic-writings-1</a>	مجموعه آثار جلد ۱ (به انگلیسی)

<sup>۱</sup> از جملات رُزا در اواخر عمرش. او نه تنها هرگز از راهی که رفته بود و مصائبی که کشیده بود اظهار پشیمانی نکرد بلکه آرزو می‌کرد سه بار قوی‌تر و جسورتر بود تا می‌توانست قدرتمندانه‌تر و جسورتر علیه کاپیتالیسم و برای استقرار سوسیالیسم مبارزه کند. به نقل از اولریش فون هوتن Ulrich von Hutten) در سال ۱۹۱۷. به نقل از نامه‌ی رُزا به ماتیلدا.

Rosa Luxemburg to Mathilde Jacob, 7 Feb. 1917, *The Letters of Rosa Luxemburg*, ed. by Georg Adler, Peter Hudis, and Annelies Laschitzka (London: Verso, 2011), pp. 371-72.

<sup>۲</sup> لنین، ۱۹۲۲، «یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار»، [Lenin, Notes of a Publicist, 1922](#)  
<sup>۳</sup> به نقل از مقاله «[Rory Castle, You Alone Make Our Family's Name Famous.](#)»  
[«Praktyka, 6/12»](#)

<sup>۴</sup> حزبی که رزا از بنیان آن بود، «حزب سوسیال دموکرات پادشاهی لهستان و لیتوانی (SDKPiL)» نام داشت.

<sup>۵</sup> به نقل از رفرانس شماره ۳.

<sup>۶</sup> Antoinette Konikow, [The Rosa Luxemburg I met as a student](#)

<sup>۷</sup> “Bolshevization Commission”

<sup>۸</sup> Bela Kun, Heinz Neumann و John Pepper

<sup>۹</sup> به نقل از مقاله «[Max Shachtman, Lenin and Rosa Luxemburg \(1935\)](#)»

<sup>۱۰</sup> Slutsky

<sup>۱۱</sup> J. V. Stalin, [Some Questions Concerning the History of Bolshevism \(1931\)](#)

<sup>۱۲</sup> Paul Frölich

<sup>۱۳</sup> البته گفته می‌شود که در سال ۱۹۲۶ از لوکزامبورگ «اعاده‌ی حیثیت» شد؛ آن هم به آن دلیل که دیگر تهدیدی به حساب نمی‌آمد! البته از آن به بعد تلاش شد تا از رُزا یک «شهید و متفکر گمراه» تصویرسازی شود؛ آن هم شهیدی که جسارتش ستودنی ولی «دستگاه فکریش» نابخشودنی بود! بعدتر



رزا لوکزامبورگ: یک قرن بعد

حزب و وابسته به حزب کمونیست روسیه این موضع را پیش گرفتند که رُزا در سال‌های پایانی عمرش شروع به اصلاح خطاهای نظریش کرده بود و اگر چندسالی بیشتر زنده می‌ماند حتماً ایرادات نظریش را تصحیح می‌کرد!

<sup>14</sup> Paul Buhle, afterword to Evans, Red Rosa, 215–219

<sup>15</sup> Lenin, [Notes of a Publicist, 1922](#)

<sup>16</sup> یکی از گرایش‌های مدعی لوکزامبورگیسم، که هنوز هم فعالیت دارد، نشریه New Politics است که از سال ۱۹۶۱ تا به امروز مشغول انتشار مقالاتی پیرامون آشتی دموکراسی با سوسیالیسم، آن‌هم با «الهام» از اندیشه‌های رزا لوکزامبورگ است! نمونه‌ی چنین برخوردی را می‌توان در مقاله‌ی «دو روح سوسیالیسم» به قلم هال دراپر یافت.

Hal Draper, [The Two Souls of Socialism](#), 1966

از این نوشته دو ترجمه به فارسی در دست است:

<http://asre-nou.net/1385/bahman/30/m-taarife-socialism.html>

<http://www.nashrebidar.com/motafarage/motafarage.pdf/dotarif.pdf>

<sup>17</sup> Leon Trotsky, [Luxemburg and the Fourth International](#), 1935

<sup>18</sup> برای آشنایی با این گرایش به مقاله‌ی «[دموکراسی اقتصادی یا کنترل کارگری؟!‌](#)» مراجعه کنید.

<sup>19</sup> برای آشنایی بیشتر با چنین تلاش‌هایی می‌توانید به نقد کتاب «[شورا، شکل سیاسی سرانجام مکشوف](#)» مراجعه کنید.

<sup>20</sup> این حزب همان «حزب سوسیالیسم دموکراتیک» پیشین است که تا سال ۱۹۹۰ بر آلمان شرقی حکم راند، و در سال ۲۰۰۵ با تغییر نام به «حزب چپ»، در ایالات شرقی آلمان، به تشکیل دولت ائتلافی با حزب سوسیال دموکرات آلمان پرداخت. در حال حاضر حزب چپ بزرگ‌ترین حزب در گروه پارلمانی چپ اروپای متحد است.

<sup>21</sup> به نقل از «[افسانه روزا لوکزامبورگ](#)» نوشته یونگه ولت

<sup>22</sup> به نقل از «[صد سال پس از قتل رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت](#)» نوشته پیتر شوارتس

<sup>23</sup> Michael Brie, [The Tragedy of Party Communism](#)

<sup>24</sup> ترجمه‌ی فارسی نقد مقاله‌ی فوق، به نام «[پیرامون کمونیسم‌ستیزی بنیاد رزا لوکزامبورگ](#)» نوشته روجر کیران و ژوزف جمیسون

<sup>25</sup> به نقل از زیرنویس ۱۸.

<sup>26</sup> Kate Evans - Red Rosa\_ A Graphic Biography of Rosa Luxemburg- Verso (2015)

<sup>27</sup> به نقل از گاردین ۲۰۱۹ [The Murder of Rosa Luxemburg review – tragedy and farce](#), Lara Feigel,

<sup>28</sup> به نقل از «[زن شورشی](#)» نوشته ماکس گالو، ترجمه مجید شریف، ص ۳۱۷ و ۳۲۲

<sup>29</sup> Lenin, The State and Revolution, [Chapter I, Class Society and the State](#)

<sup>30</sup> <http://www.wlym.com/archive/campaigner/>

<sup>31</sup> برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این تاریخ به نوشته‌ی رایا دونایفسکایا مراجعه کنید:

Raya Dunayevskaya, [Women's liberation, then and now](#), 1971

<sup>32</sup> J. P. Netti [Rosa Luxemburg: a life of struggle](#)

این اثر در سال ۲۰۰۹ توسط Socialist Review بازنشر شد و با عنوان «رزا لوکزامبورگ»، نوشته تونی کلیف، توسط نسترن موسوی ترجمه شده است.

<sup>33</sup> این اثر سال ۲۰۱۹ توسط Verso بازنشر شد.

<sup>34</sup> Elzbieta Ettinger, Rosa Luxemburg: A Life

<sup>35</sup> Linda Edmondson "Lives of Rosa Luxemburg," Revolutionary Russia 2, no. 2 (1989): 35–44

<sup>36</sup> [جلد اول و جلد دوم](#) (نوشته‌های اقتصادی)، [جلد سوم](#) و [جلد چهارم](#) (نوشته‌های سیاسی) The

Complete Works of Rosa Luxemburg

<sup>37</sup> به نقل از سایت [انتشارات Verso](#) که مشغول نشر آثار رزا لوکزامبورگ است.

<sup>38</sup> [لینک دسترسی](#) به آرشیو رزا لوکزامبورگ

<sup>39</sup> این ادعایی است که Dr Rory Castle Jones (Swansea University, Chicago) در

پایان‌نامه دکترایش (۲۰۱۶) و سلسله مقالاتش آورده است. او به نمونه‌های فراوانی اشاره می‌کند که به غلط در باره‌ی زندگی رزا منتشر شده‌اند.

<sup>40</sup> ترجمه‌ی جدید دو اثر مهم رزا لوکزامبورگ، یعنی «رفرم اجتماعی یا انقلاب» و «اعتصاب توده‌ای،

حزب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری» به‌همراه چند مقاله تحقیقی در باره رزای سرخ در سایت «[گرایش سوسیالیسم انقلابی](#)» موجود است. به‌علاوه لیست ترجمه سایر آثار رزا را می‌توانید در [سایت](#)

[خبرنامه کتاب‌های رایگان و آرشیو رزا لوکزامبورگ](#) پیدا کنید.